

پژوهش: نیازها و انگیزه‌ها

و برای هر کسی، متناسب با عملی که انجام داده، مقام و درجه‌ای است (انعام، ۱۳۲)

دست به اقدامی عملی زده و یا دست‌کم تذکری شفاهی بدهند؟ تحقیقات مقدماتی وی نشان داد که در بین ادیان مختلف تنها دین اسلام است که در تعالیم خود از اصلی با عنوان امر به معروف و نهی از منکر نام برده و آن را جزو واجبات دین بر می‌شمرد. این مسئله انگیزه‌ای شد تا وی به انجام پژوهشی جامع و فراگیر در این موضوع با استفاده از منابع حدیثی و فقهی تمام فرقه‌های مطرح اسلامی همت گمارد. به گونه‌ای که بیش از ۱۷۰۰ کتاب و مقاله را در این خصوص بررسی کرده است. نتیجه تحقیق نیز کتابی با عنوان:

Commanding right and forbidding wrong in Islamic thought

در دو مجلد شد که حاصل کار مداوم و طاقت‌فرسای نویسنده در مدت ۱۲ سال است.^۱

در غروب روز ۲۲ سپتامبر سال ۱۹۸۸ و در ایستگاه متروی شیکاگو در ایالت ایلوی نوی آمریکا، زن جوانی مورد تعرض یک مرد قرار می‌گیرد. این اتفاق که در ساعتی پر ازدحام و در مقابل دیدگان بسیاری از مسافران رخ داده بود، در روزنامه‌های متعددی از جمله نیویورک تایمز و شیکاگو تریبون انعکاس یافت. دکتر مایکل کوک^۱، از اساتید دانشگاه پرینستون، از جمله کسانی بود که چند روز بعد با خواندن روزنامه از این ماجرا آگاهی یافت. آنچه که توجه وی را جلب کرد، این نکته بود: افرادی که شاهد این رخداد شنیع بودند، هیچ عکس‌العملی از خود نشان نداده بودند. این بی‌تفاوتی موجب شد تا این سؤال در ذهن وی پدید آید که آیا فرهنگ‌ها و ادیان مختلف، چنین وظیفه‌ای برای پیروان خویش بر شمرده‌اند که در چنین مواقعی

1. Michael Cook

۲ - خوشبختانه از این اثر ارزشمند، دو ترجمه به زبان فارسی با مشخصات زیر موجود است:

- کوک، مایکل. امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی. ترجمه احمد نمایی. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۴.

- کوک، مایکل. شایست و ناشایست در اندیشه اسلامی. ترجمه محمدحسین ساکت. تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۴.

غرض از ذکر این مقدمه، آشنایی با یک نمونه از پژوهش‌هایی بود که بر اساس یک نیاز و با انگیزه شناخت و تبیین یک هنجار یا ناهنجاری اجتماعی صورت پذیرفته است. مسلماً اگر این تحقیق برای ما مسلمانان، حاوی آگاهی‌هایی ارزشمند در باب این فریضه دینی است، برای پیروان دیگر ادیان، دریچه‌ای خواهد بود برای آشنایی با یک وظیفه اخلاقی و یک هنجار در دینی به نام اسلام.

مایکل کوک در مقدمه اثر چنین می‌نویسد: «در مقام مورخی جامعه‌شناس، مایلم بدانم این سنت خردمندانه در جامعه‌ای که از آن نشأت گرفته بود و با آن ارتباط داشت، چه تحولی در زندگی مردم ایجاد کرد» اکنون بیراه نیست نگاهی به تحقیقات رایج در محیط‌های علمی و دانشگاهی کشور خود و به‌ویژه رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی بیندازیم و مقایسه‌ای هر چند کوتاه و ذهنی را برای خود تصور کنیم. به راستی چند درصد از تحقیقات به عمل آمده، اعم از پروژه‌های تحقیقاتی و یا پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی بر اساس نیازهای واقعی جامعه امروز ما شکل گرفته است؟ اگر دانشجویان برای انجام پروژه‌های خود، دغدغه محدودیت زمان و اخذ مدرک تحصیلی را دارند، اساتید محترم کدام توجیه منطقی را برای نبود و یا دست‌کم، انگشت‌شمار بودن تحقیقات مفید و مؤثر ارائه می‌فرمایند. البته فراموش نکنیم

که برخی از همین دانشجویان در آینده نه چندان دوری در کسوت اساتید در آمده و همان راه را ادامه می‌دهند (احتمالاً با قوت و قدرت بیشتر).

به هر حال باید پذیرفت که این وضع نامطلوب تحقیق و علم‌آفرینی در محیط‌های دانشگاهی، معلول عوامل مختلفی است که برای نمونه، یک مورد از آن در سرمقاله پیشین همین نشریه از جانب یکی از اساتید محترم مورد بحث قرار گرفت. عوامل دیگری را نیز می‌توان مطرح کرد و راجع به آن‌ها گفتگو کرد ولی به نظر می‌رسد اصلی که غالباً از آن غفلت می‌شود، عشق و ایمان به کار است که نتیجه فقدان آن، همین تحقیقاتی است که خشک و بی‌روح و از همه بدتر، بی‌فایده و بی‌خاصیت در قفسه‌های کتابخانه خاک می‌خورد.

کار تجسم عشق است
اگر نمی‌توانی با عشق کار کنی
اگر جز با ملالت و بی‌زاری کاری از تو نمی‌آید
بهبتر است کار خود را ترک کنی و بر دروازه
عبادتگاه نشینی
و صدقات کسانی را که با عشق کار می‌کنند بپذیری
زیرا اگر بی‌عشق پخت کنی
نانی تلخ از تنور بدرخواهد آمد که گرسنه را نیم سیر
گذارد ...

(جبران خلیل جبران، پیامبر)

مقالات

پیشگامه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی